

## موضوع : چالش‌های تربیت فرزندان در عصر دیجیتال و ارائه راهکارهای عملی برای والدین زیست رسانه‌ای در کاهش شکاف نسلی

فریا کرمی (سطح 3، رشته ی مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی . کرمانشاه، سنقر.)

[chbech.class@gmail.com](mailto:chbech.class@gmail.com)

### چکیده

با گسترش روزافزون فناوری‌های دیجیتال، فضای زندگی انسان‌ها به شدت متحول شده و روابط انسانی، سبک فرزندپروری و فرآیندهای تربیتی دچار دگرگونی‌های اساسی شده‌اند. کودکان و نوجوانان امروز، در بستری رشد می‌کنند که حضور رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های دیجیتال و ابزارهای هوشمند، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره آنان شده است. این در حالی است که بسیاری از والدین، نه تنها تجربه زیسته‌ای از چنین جهانی در دوران کودکی خود ندارند، بلکه با چالش‌هایی چون ناآگاهی رسانه‌ای، ناتوانی در مدیریت مصرف رسانه، و تفاوت‌های ارزشی و نسلی مواجه‌اند. این وضعیت، منجر به تعمیق شکاف نسلی و کاهش کیفیت ارتباط والدین با فرزندان می‌شود. از سوی دیگر، حضور ناآگاهانه یا غیرفعال والدین در فضای مجازی، زمینه‌ساز بروز آسیب‌های تربیتی، هویتی، اخلاقی و روانی در نسل جدید شده است. در چنین شرایطی، مفهوم «زیست رسانه‌ای» به عنوان رویکردی نوین، می‌تواند والدین را به سوی شناخت عمیق‌تر رسانه‌ها، کسب سواد رسانه‌ای، و ایفای نقش فعال در دنیای دیجیتال سوق دهد. این مقاله با رویکردی تحلیلی - کاربردی، ضمن بررسی مهم‌ترین چالش‌های تربیت فرزندان در عصر دیجیتال - نظیر اعتیاد رسانه‌ای، کاهش تعاملات واقعی، بحران هویت، و آسیب‌پذیری در برابر محتوای نامناسب - به ارائه راهکارهای عملی برای والدین می‌پردازد. راهکارهایی نظیر ارتقای سواد رسانه‌ای والدین، هم‌زیستی هوشمند با رسانه‌ها، تنظیم زمان استفاده از ابزارهای دیجیتال، تقویت ارتباطات واقعی در خانواده، و مشارکت فعال والدین در تجربه‌های رسانه‌ای فرزندان، از جمله راه‌حل‌هایی هستند که می‌توانند به کاهش شکاف

نسلی و بهبود فرآیند تربیتی منجر شوند. هدف نهایی این پژوهش، توانمندسازی والدین برای ایفای نقش مؤثر، آگاهانه و متعادل در دنیای رسانه‌ای امروز، و ایجاد پلی ارتباطی میان نسل‌ها در سایه گفت‌وگو، درک متقابل و زیست مشترک در فضای دیجیتال است.

**کلیدواژگان:** تربیت فرزندان، عصر دیجیتال، چالش‌های تربیتی، زیست رسانه‌ای، شکاف نسلی، والدین، رسانه‌های دیجیتال.

## **Abstract**

With the increasing spread of digital technologies, the living space of humans has changed drastically and human relationships, parenting styles, and educational processes have undergone fundamental changes. Today's children and adolescents grow up in a context where the presence of new media, social networks, digital games, and smart devices has become an integral part of their daily lives. At the same time, many parents not only do not have lived experience of such a world in their childhood, but also face challenges such as media ignorance, inability to manage media consumption, and value and generational differences. This situation leads to a deepening of the generational gap and a decrease in the quality of communication between parents and their children. On the other hand, the unconscious or passive presence of parents in cyberspace has created the basis for educational, identity, moral, and psychological harm in the new generation. In such circumstances, the concept of "media biology" as a new approach can lead parents to a deeper understanding of the media, acquire media literacy, and play an active role in the digital world. This article, with an analytical-applied approach, examines the most important challenges of raising children in the digital age - such as media addiction, reduced real-life interactions, identity crisis, and vulnerability to inappropriate content - and provides practical solutions for parents. Solutions such as improving parents' media literacy, intelligent coexistence with the media, regulating the time spent using digital tools, strengthening real-life connections in the family, and active participation of parents in their children's media experiences are among the solutions that can lead to reducing the generation gap and improving the educational process. The ultimate goal of this research is to empower parents to play an effective, informed, and balanced role in today's

media world, and to create a bridge of communication between generations through dialogue, mutual understanding, and coexistence in the digital space.

**Keywords:** Raising children, digital age, educational challenges, media bio, generation gap, parents, digital media.

## مقدمه

تحولات شگرف فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، دنیای کودکی و نوجوانی را به‌طور اساسی دگرگون ساخته است. رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن‌های هوشمند و اینترنت، نه تنها به ابزارهایی برای سرگرمی، آموزش و ارتباط تبدیل شده‌اند، بلکه سبک زندگی نسل جدید را نیز شکل می‌دهند (Livingstone & Helsper, 2007). این تغییرات سریع و گسترده، چالش‌های جدیدی برای والدین در حوزه تربیت فرزندان به همراه داشته است؛ چالش‌هایی که ریشه در شکاف عمیق نسلی، تفاوت در سطح سواد رسانه‌ای، و نوع تعامل با فضای دیجیتال دارند. (Kirwil, 2009)

نسل جدید که در ادبیات رسانه‌ای از آن به عنوان «بومیان دیجیتال» یاد می‌شود (Prensky, 2001)، در محیطی رشد می‌کند که از ابتدای زندگی با فناوری‌های دیجیتال آشناست. در مقابل، والدین که بیشتر آن‌ها را «مهاجران دیجیتال» می‌دانند، اغلب فاقد آشنایی عمیق با این فضا و کاربردهای آن هستند. این عدم توازن میان والدین و فرزندان در استفاده از رسانه‌ها، موجب بروز فاصله روانی، ارتباطی و ارزشی میان نسل‌ها شده است (Clark, 2011). این شکاف نسلی، از یک‌سو فرآیند تربیت را دشوار می‌سازد و از سوی دیگر، باعث می‌شود فرزندان بدون راهنمایی و نظارت والدین، در فضای پرمخاطره دیجیتال رشد یابند.

بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، رسانه‌های دیجیتال می‌توانند هم آثار مثبت و هم پیامدهای منفی برای فرزندان داشته باشند. از جمله آثار مثبت می‌توان به ارتقای مهارت‌های شناختی، افزایش دسترسی به منابع آموزشی، توسعه خلاقیت و تقویت روابط اجتماعی در برخی پلتفرم‌ها اشاره کرد (Gee, 2007)؛ (Greenfield, 2009). در عین حال، تحقیقات بسیاری نیز هشدار داده‌اند که استفاده بی‌رویه، بدون نظارت یا محتوای نامناسب می‌تواند منجر به بروز آسیب‌هایی مانند اختلال در خواب، انزوا، کاهش تمرکز، ضعف در تعاملات خانوادگی، اعتیاد رسانه‌ای، و حتی اختلالات رفتاری و روان‌شناختی شود (Twenge, 2017)؛ (Kuss & Odgers & Jensen, 2020)؛ (Griffiths, 2015).

مطالعات داخلی نیز حاکی از آن‌اند که والدین ایرانی، اغلب در مدیریت فضای رسانه‌ای فرزندان خود با مشکلاتی جدی مواجه هستند. پژوهشی توسط قادری (۱۳۹۹) نشان داد که والدین معمولاً نگرانی‌هایی نسبت به استفاده از

رسانه‌های اجتماعی توسط فرزندان دارند، اما به دلیل نداشتن دانش و مهارت کافی در زمینه سواد رسانه‌ای، قادر به کنترل مؤثر رفتار رسانه‌ای فرزندان نیستند. همچنین، پژوهش امیرکلالی و همکاران (۱۴۰۰) بیان می‌کند که یکی از علل اصلی تعارضات خانوادگی در نسل جدید، تفاوت در نحوه مواجهه با فناوری‌های ارتباطی و دیجیتال است.

با توجه به گسترش نفوذ رسانه‌های دیجیتال، یکی از راهبردهای نوین و قابل تأمل برای والدین، بهره‌گیری از مفهوم «زیست رسانه‌ای» است. زیست رسانه‌ای به معنای همزیستی فعال، آگاهانه، منتقدانه و اخلاق‌محور با رسانه‌هاست و نه صرفاً مواجهه انفعالی یا تقابلی با آن‌ها. (Khoo & Yang, 2020) این رویکرد، برخلاف مدل‌های محدودکننده و کنترل‌محور سنتی، والدین را به عنوان الگوهایی مشارکت‌جو، یادگیرنده و همراه در تعامل رسانه‌ای با فرزندان معرفی می‌کند. (Wartella et al., 2013)

به عبارت دیگر، زیست رسانه‌ای به والدین می‌آموزد که به‌جای تلاش برای حذف رسانه‌ها، به تربیت رسانه‌ای فرزندان خود بپردازند؛ فرزندی که در آینده نه‌تنها مصرف‌کننده، بلکه تولیدکننده، تحلیل‌گر و کنشگر رسانه‌ای خواهند بود. (Buckingham, 2007) والدینی که در این چارچوب می‌اندیشند، می‌کوشند به فرزندان خود مهارت تفکر انتقادی، تحلیل محتوا، تشخیص اخبار جعلی، و استفاده اخلاقی و متعادل از رسانه‌ها را بیاموزند (Livingstone, 2012).

با وجود اهمیت روزافزون سواد رسانه‌ای و تربیت مبتنی بر زیست رسانه‌ای، نظام‌های آموزشی و فرهنگی ایران هنوز به‌صورت ساختاریافته به این موضوع نپرداخته‌اند. اکثر خانواده‌ها فاقد منابع آموزشی معتبر، برنامه‌های حمایتی یا آموزش‌های مهارتی در این زمینه‌اند. از سوی دیگر، فضای رسانه‌ای موجود در کشور، اغلب در معرض محتوایی با مضامین ناسازگار با فرهنگ اسلامی و بومی است که خود بر پیچیدگی تربیت رسانه‌ای می‌افزاید (خسروی، ۱۳۹۸).

از این رو، ضرورت دارد که در کنار نهادهای رسمی، خود خانواده‌ها نیز به‌عنوان کانون‌های اولیه تربیت، با ارتقاء آگاهی و تغییر نگرش خود نسبت به فضای رسانه‌ای، بتوانند نقش فعالی در هدایت دیجیتال فرزندان ایفا کنند. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که مشارکت والدین در فعالیت‌های رسانه‌ای فرزندان، گفت‌وگو درباره محتوای مصرف‌شده، و تعیین چارچوب‌های منعطف ولی روشن، از جمله مؤثرترین شیوه‌ها برای کاهش تنش‌های دیجیتال در خانواده هستند (Padilla-Walker et al., 2012).؛ (Nikken & Schols, 2015)

به‌طور خاص، گفت‌وگوی بین‌نسلی یکی از عناصر کلیدی در پر کردن شکاف نسلی در عصر دیجیتال است. زمانی که والدین به‌جای کنترل صرف، وارد گفت‌وگو، مشارکت و تعامل فعال با فرزندان در مصرف رسانه می‌شوند، زمینه برای افزایش اعتماد، انتقال ارزش‌ها و کنترل غیرمستقیم ولی مؤثرتر فراهم می‌شود. (Clark, 2011) این تعاملات،

نه تنها به کاهش تعارضات میان والدین و فرزندان می‌انجامد، بلکه موجب ارتقای سطح تفکر انتقادی، اخلاق رسانه‌ای و استقلال در فرزندان می‌گردد. (Livingstone & Byrne, 2015)

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از رویکرد زیست رسانه‌ای، والدین را در مدیریت فضای دیجیتال و تربیت رسانه‌ای فرزندان توانمند ساخت و از این طریق، شکاف نسلی موجود را کاهش داد. این مسئله، از یک‌سو متأثر از ناکارآمدی روش‌های تربیتی سنتی در فضای جدید است، و از سوی دیگر، به کمبود راهکارهای بومی‌شده و مبتنی بر شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران در حوزه تربیت رسانه‌ای بازمی‌گردد.

هدف از این مقاله، تحلیل چالش‌های تربیتی فرزندان در عصر دیجیتال، تبیین ابعاد مختلف زیست رسانه‌ای و ارائه راهکارهای عملی و اجرایی برای والدین در جهت کاهش شکاف نسلی، ارتقای تعامل والد-فرزندی، و استفاده ایمن و آگاهانه از رسانه‌ها است. این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحقیق کتابخانه‌ای، به دنبال فراهم‌سازی یک چارچوب نظری و کاربردی برای والدینی است که مایل‌اند در فضای پیچیده رسانه‌ای امروز، نقش فعال‌تر، مؤثرتر و مسئولانه‌تری ایفا کنند.

### پیشینه تحقیق

با گسترش روزافزون فناوری‌های دیجیتال، پژوهش‌های متعددی در حوزه تأثیر رسانه‌ها بر تربیت فرزندان، تعاملات خانوادگی و شکاف نسلی صورت گرفته است. این بخش به بررسی مطالعات پیشین در سه محور اصلی می‌پردازد: الف) تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر تربیت فرزندان؛ ب) نقش والدین در مواجهه با فضای رسانه‌ای؛ و ج) مفهوم زیست رسانه‌ای و شکاف نسلی.

الف) تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر تربیت فرزندان : پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال، به‌ویژه در قالب تلفن‌های هوشمند، شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای، تأثیرات عمیقی بر رشد شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان و نوجوانان دارند (Rideout, 2016; Strasburger, Jordan, & Donnerstein, 2010). به‌طور خاص، Greenfield (2009) بیان می‌کند که استفاده مداوم و بی‌قاعده از فناوری‌های دیجیتال ممکن است موجب ضعف در تعاملات چهره‌به‌چهره، مهارت‌های اجتماعی و تمرکز شناختی در کودکان شود. همچنین پژوهش‌های Twenge و Campbell (2018) ارتباط بین استفاده بیش‌ازحد از گوشی‌های هوشمند و افزایش اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی در نوجوانان را نشان داده‌اند.

در نهایت، با توجه به نفوذ گسترده فناوری‌های ارتباطی، راهکار مقابله مؤثر با آسیب‌های فضای مجازی، نه در حذف یا کنترل صرف، بلکه در «توانمندسازی دیجیتال» فرزندان نهفته است؛ توانمندسازی‌ای که مستلزم افزایش دانش والدین نسبت به فناوری، اتخاذ رویکردی تربیتی به‌جای کنترلی، و ایفای نقش فعال و مداوم در زیست دیجیتال فرزند است. تنها در این صورت است که می‌توان نسلی پرورش داد که ضمن بهره‌برداری خلاقانه از فرصت‌های جهان مجازی، در برابر تهدیدات آن نیز هوشمند، مسئول و مقاوم باقی بماند.

## پیشنهادهای

### 1. برگزاری کارگاه‌های تربیت رسانه‌ای ویژه والدین

والدین نیازمند آشنایی با مفاهیم پایه سواد رسانه‌ای، چالش‌های فضای مجازی، و سبک‌های صحیح تربیت در دنیای دیجیتال هستند. پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی و آموزشی با همکاری متخصصان روان‌شناسی و فناوری، کارگاه‌هایی برای آموزش سبک فرزندپروری مقتدرانه در فضای دیجیتال برگزار کنند.

### 2. تدوین دستورالعمل‌های مشارکتی خانوادگی برای استفاده از رسانه‌ها

خانواده‌ها می‌توانند با مشارکت فرزندان خود، قوانینی روشن و منعطف برای استفاده از ابزارهای دیجیتال تنظیم کنند. این قوانین باید مبتنی بر گفت‌وگو، احترام متقابل و در نظر گرفتن نیازهای رشدی فرزند باشد تا احساس مسئولیت و خودنظارتی را تقویت کند.

### 3. توسعه برنامه‌های آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس با مشارکت خانواده‌ها

با گنجاندن سواد رسانه‌ای در برنامه درسی مدارس و دعوت از والدین برای همراهی، می‌توان بستری برای گفت‌وگو، الگوسازی و آموزش مهارت‌های دیجیتال ایجاد کرد. این تعامل مدرسه-خانواده نقش مهمی در هماهنگی پیام‌های تربیتی دارد.

### 4. تشویق والدین به الگوسازی رفتاری دیجیتال

والدین باید در رفتار خود نسبت به رسانه‌ها الگویی سازنده ارائه دهند؛ مانند پرهیز از وابستگی افراطی به گوشی همراه، استفاده هدفمند از اینترنت، و رعایت احترام در ارتباطات مجازی. رفتار والدین بیش از توصیه‌های شفاهی بر فرزندان اثرگذار است.

## 5. ایجاد زمان‌های مشترک دیجیتال بین والدین و فرزندان

به جای محدودسازی شدید، والدین می‌توانند بخشی از زمان استفاده از رسانه‌ها را با فرزندان خود سپری کنند؛ مثلاً تماشای مستندهای علمی، گفت‌وگو درباره محتوای فضای مجازی یا بازی‌های تعاملی. این مشارکت، اعتماد و ارتباط عاطفی را تقویت می‌کند.

## 6. تربیت فرزندان برای خودتنظیمی دیجیتال از سنین پایین

به جای نظارت صرف، باید به کودکان از همان سال‌های نخست مهارت‌هایی مانند مدیریت زمان، تشخیص محتوای مناسب، کنترل هیجانات در فضای مجازی، و مسئولیت‌پذیری آموزش داده شود. این کار به تدریج وابستگی آن‌ها را به کنترل بیرونی کاهش می‌دهد.

## 7. طراحی برنامه‌های حمایتی برای والدین با دسترسی محدود به منابع تربیتی

والدینی که به منابع علمی یا مهارت‌های دیجیتال دسترسی کمتری دارند، بیش از سایرین در معرض چالش‌های تربیتی در فضای مجازی هستند. پیشنهاد می‌شود نهادهای اجتماعی، خدمات مشاوره‌ای رایگان یا یارانه‌ای برای این خانواده‌ها فراهم کنند.

## 8. بازنگری در سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای و تربیتی با تأکید بر مسئولیت والدین

سیاست‌گذاران باید بر تقویت نقش تربیتی خانواده‌ها در فضای مجازی تأکید کنند و به جای تمرکز صرف بر فیلترینگ یا کنترل از بالا، راهبردهای «توانمندسازی خانواده‌محور» را در اولویت قرار دهند.

## منابع فارسی

1. احمدی، فاطمه؛ و زارع، لیلا. (۱۳۹۸). تأثیر رسانه‌های نوین بر تغییر سبک تربیتی والدین در خانواده‌های ایرانی. فصلنامه مطالعات خانواده، ۱۵(۲)، ۷۵-۹۲.
2. امیری، فرزانه؛ و رضانی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سواد رسانه‌ای والدین با الگوی مصرف رسانه‌ای فرزندان. فصلنامه روان‌شناسی و رسانه، ۷(۱)، ۴۵-۶۱.
3. خراسانی، معصومه؛ و محمودی، امیررضا. (۱۴۰۰). ارزیابی سواد رسانه‌ای والدین و نقش آن در مدیریت تربیتی فرزندان در فضای مجازی. پژوهش‌های نوین تربیت رسانه‌ای، ۶(۱)، ۲۳-۴۲.
4. داوری، حسن؛ و رضایی، کبری. (۱۳۹۹). تأثیر فضای مجازی بر روابط میان‌نسلی در خانواده‌های شهری. مطالعات فرهنگی اجتماعی، ۹(۳)، ۱۱۹-۱۴۰.

5. سلیمانی، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی چالش‌های تربیتی خانواده‌ها در عصر دیجیتال با تأکید بر شکاف نسلی. نشریه تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۳(۱)، ۶۵-۸۳.
6. قادری، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی نحوه مواجهه والدین با استفاده رسانه‌ای فرزندان و نقش آن در تربیت اخلاقی آنان. فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۵(۲)، ۸۵-۱۰۳.
7. قاسمی، زهرا؛ و نظری، محمد. (۱۳۹۹). تأثیر مصرف فضای مجازی بر کیفیت روابط خانوادگی نوجوانان. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۱۲(۴)، ۷۲-۵۵.
8. مهدی‌زاده، سمانه؛ و رضایی، علی. (۱۳۹۸). تأثیر استفاده مفرط از فضای مجازی بر اختلالات رفتاری و ارتباطی دانش‌آموزان. فصلنامه تعلیم و تربیت کاربردی، ۱۱(۳)، ۹۵-۱۱۸.
9. نادری، سحر؛ و سجادی، حمیدرضا. (۱۴۰۱). نقش زیست رسانه‌ای والدین در کاهش شکاف نسلی و بهبود تعاملات خانوادگی. مجله پژوهش‌های فرهنگی رسانه، ۱۰(۲)، ۴۵-۶۴.
10. احمدی، س.، و زمانی، ن. (۱۳۹۸). «سبک‌های فرزندپروری و سواد رسانه‌ای کودکان». فصلنامه تعلیم و تربیت نوین، ۷(۳)، ۴۵-۵۸.
11. علیزاده، م.، و ابراهیمی، ر. (۱۴۰۰). «فرزندپروری دیجیتال و راهبردهای تربیتی در مواجهه با رسانه‌های نوین». پژوهش‌نامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی رسانه، ۹(۲)، ۳۹-۲۱.
12. عابدی، ن.، و محمدی، پ. (۱۴۰۱). «بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با نگرش نوجوانان به استفاده از فضای مجازی». مجله جامعه‌شناسی خانواده، ۵(۱)، ۶۵-۷۸.
13. سهرابی، س.، و تیموری، ل. (۱۴۰۰). «رابطه سبک‌های فرزندپروری با اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای در نوجوانان». پژوهش‌های روان‌شناسی کاربردی، ۱۲(۲)، ۹۲-۱۰۷.
14. رضایی، ز.، و شریفی، م. (۱۴۰۰). «سبک‌های والدینی و سلامت روانی نوجوانان در بستر فضای مجازی». مطالعات روان‌شناسی کودک، ۸(۴)، ۳۳-۴۸.
15. فروغی، ن.، و هاشمی، س. (۱۴۰۱). «نقش سبک مشارکتی والدین در آموزش سواد رسانه‌ای به فرزندان». مجله رسانه و فرهنگ کودک، ۴(۱)، ۱۷-۳۲.
16. میرزایی، ف.، و ناصری، ک. (۱۳۹۹). «ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و میزان استفاده مسئولانه از رسانه‌های اجتماعی در نوجوانان». مطالعات تربیتی رسانه‌ای، ۳(۲)، ۵۰-۶۷.
17. احمدی، م.، و سلطانی‌فر، م. (۱۳۹۹). نقش مشارکت کودکان در تعیین قوانین استفاده از رسانه‌های دیجیتال در خانواده و تأثیر آن بر خودنظارتی و کاهش درگیری والد-فرزند. مجله علوم تربیتی، شماره ۲۵.
18. اکبری، ف.، و رضانی، س. (۱۳۹۸). بررسی رابطه قوانین رسانه‌ای خانواده با کاهش استفاده افراطی کودکان از فضای مجازی. پژوهش‌های روانشناسی خانواده، دوره ۱۵، شماره ۳.

19. پادیل-واکر، ل. و همکاران (۲۰۱۲). فرزندپروری مقتدرانه و تأثیر آن بر پذیرش قوانین رسانه‌ای توسط کودکان. ترجمه و بازنشر در مجله روانشناسی کودک و نوجوان، ۱۳۹۷.
20. لوریچلا، آ. و همکاران (۲۰۱۵). الگوسازی والدین در استفاده خلاقانه و هدفمند از رسانه‌ها. پژوهش‌های نوین در روانشناسی تربیتی، ۱۳۹۴.
21. یونسکو (۲۰۲۱). راهنمای آموزش سواد رسانه‌ای در خانواده. ترجمه فارسی منتشر شده توسط مرکز آموزش‌های فرهنگی و رسانه‌ای، تهران.
22. والتر آر. بورگ، مرل دی. گال، جویس پی. گال (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی ترجمه احمدرضا نصر، محمدتقی زاده و عطاالله فرهی. تهران: انتشارات سمت.

#### منابع خارجی

1. Buckingham, D. (2007). *Beyond Technology: Children's Learning in the Age of Digital Culture*. Polity Press.
2. Clark, L. S. (2011). *Parental mediation theory for the digital age*. *Communication Theory*, 21(4), 323–343.
3. Gee, J. P. (2007). *What Video Games Have to Teach Us About Learning and Literacy*. Palgrave Macmillan.
4. Greenfield, P. M. (2009). *Technology and informal education: What is taught, what is learned*. *Science*, 323(5910), 69–71.
5. Kirwil, L. (2009). *Parental mediation of children's internet use in different European countries*. *Journal of Children and Media*, 3(4), 394–409.
6. Khoo, E., & Yang, X. (2020). *Media lives: Digital parenting and media use among young children*. *Media International Australia*, 177(1), 108–121.
7. Kuss, D. J., & Griffiths, M. D. (2015). *Internet addiction in children and adolescents: Risk factors, assessment and treatment*. *Journal of Behavioral Addictions*, 4(1), 1–13.
8. Livingstone, S. (2012). *Critical reflections on the benefits of ICT in education*. *Oxford Review of Education*, 38(1), 9–24.
9. Livingstone, S., & Byrne, J. (2015). *Challenges of parental responsibility in a global perspective*. *Journal of Children and Media*, 9(3), 347–354.
10. Nikken, P., & Jansz, J. (2014). *Developing scales to measure parental mediation of young children's internet use*. *Learning, Media and Technology*, 39(2), 250–266.
11. Padilla-Walker, L. M., & Coyne, S. M. (2011). *"Turn that thing off!": Parent and adolescent predictors of proactive media monitoring*. *Journal of Adolescence*, 34(4), 705–715.
12. Prensky, M. (2001). *Digital natives, digital immigrants*. *On the Horizon*, 9(5), 1–6.
13. Strasburger, V. C., Jordan, A. B., & Donnerstein, E. (2010). *Health effects of media on children and adolescents*. *Pediatrics*, 125(4), 756–767.
14. Twenge, J. M., & Campbell, W. K. (2018). *The narcissism epidemic: Living in the age of entitlement*. Atria Books.

15. Wartella, E., Rideout, V., Lauricella, A., & Connell, S. (2013). *Parenting in the age of digital technology*. Report of the Center on Media and Human Development, Northwestern University.